

و همه نامها را در این کتاب
و در این کتاب همه نامها را

فهرست

پیشگفتار

پیشگفتار ۷

بخش اول ۱۷

بخش دوم ۳۵

بخش سوم ۵۳

مراودگان دوران می گویند
از جمله این آیینها مهم تاریخی، سرگذشت نامه‌های است که در
طول این یک قرن به دست آمده و بعضی از آنها چاپ شده و در
اختیار علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران قرار گرفته است
حیدرخان میرزا علی از برترین افراد دوران مشروطه و از
فرماندهان حوادث عهد مشروطیت می باشد که بیست و سه سال از
عمر پرلمرش را وقف همکاری تلویحه و بی امن با مستبدان و دشمنان
آزادی کرده است

به نام خدا

پیش‌گفتار

پس از گذشت یکصد و شش سال از انقلاب مشروطیت ایران که از مهم‌ترین وقایع تاریخ ایران محسوب می‌گردد، هنوز هم در گوشه و کنار این سرزمین اسناد و اوراق و دست‌نوشته‌هایی از افراد و خاندان‌های متعدد به دست می‌آید که موجب روشنگری علل و حوادث آن دوران می‌شود.

از جمله این اسناد مهم تاریخی، سرگذشت نامه‌هایی است که در طول این یک قرن به دست آمده و بعضی از آنها چاپ شده و در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران قرار گرفته است.

حیدرخان عمواغلی از برجسته‌ترین افراد دوران مشروطه و از قهرمانان حوادث مهم مشروطیت می‌باشد «که بیست و سه سال از عمر پرثمرش را وقف پیکاری دلیرانه و بی‌امان با مستبدان و دشمنان آزادی کرد»^۱

۱. کتاب اسناد و خاطره‌های حیدرخان عمواغلی، اسماعیل رائین، صفحه ۹، جلد دوم

قسمتی از خاطرات حیدرخان عمواغلی که در طی آن وی تفصیل احوال خود را از بدو ورود به ایران تا موقع قتل اتابک از حدود سال ۱۳۲۰ هجری قمری تا ۲۲ رجب ۱۳۲۵ هـ. ق برای مرحوم ابراهیم منشی‌زاده تقریر کرده و آن مرحوم به خط خود نوشته، در مجله یادگار سال ۱۳۲۵ به چاپ رسیده است.

کتاب‌های متعددی در مورد زندگانی و مبارزات حیدرخان عمواغلی نگاشته شده‌اند از جمله کریم طاهرزاده بهزاد که خود در جنگ‌های تبریز شرکت داشته و از اعضای انجمن غیبی تبریز بوده و محضر حیدرخان را درک کرده در کتاب مهم خود «قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت» در معرفی چهره‌های برجسته مشروطیت در تبریز در صفحات متعدد از او نام برده است. از جمله می‌نویسد:

«معروف است حیدرخان وقتی که یکی از مجاهدان را برای انجام امر خطرناکی می‌فرستاد پس از اینکه حرفش تمام شد دست راستش را به روی شانه مجاهد گذاشت و با لحن مؤثری گفت آیا می‌ترسی؟ این جمله را طوری با صمیمیت و محکم ادا می‌کرد که به مأمور دل و جرأت بخشید.

... حیدرخان نفوذ روحی فوق‌العاده داشت تا آنجا که هرکس را با ادای چند جمله مجذوب و منقلب می‌نمود.

برخلاف شرح مرحوم کسروی، روابط مرحوم ستارخان سردار ملی با مرحوم حیدرخان عمواغلی خیلی خوب و صمیمانه بود.

...نگارنده شاهد بودم که کلیه تفنگ‌های پنج‌تیر درجه اول و ماوزر و فشنگ آنها که به دست مجاهدین بود از قفقاز می‌رسید چون در ارک تبریز که به تصرف مجاهدین درآمد بود تفنگ پنج‌تیر وجود نداشت و فقط دو نوع ورندل بود. در ایامی که آقای تقی‌زاده از راه قفقاز به اروپا می‌رفتند حیدرخان که تشنه انقلاب و مبارزه با استبداد بود به تبریز آمد و به زودی از ارکان انقلاب آذربایجان گردید.

...حیدرخان مرد صریح‌الهیجه و رشید و میهن‌دوست بود و حافظه قوی و هوش سرشار و بیانی سحرآمیز داشت، عزم و اراده حیدرخان ورد زبان‌ها بود و هرکس نام او را می‌شنید لرزه بر اندامش می‌افتاد، ولی وقتی که با او روبرو می‌شد یک مرد متواضع و بذله‌گو و شیرین‌صفت و خوش‌سیما را مشاهده می‌کرد و نسبت به او ارادت می‌رساند. حیدرخان به پول و مقام اعتنا نداشت و دنیا را از دریچه استغنا می‌نگریست. تنها ایده‌آل او اصلاح اوضاع تأسف‌آور ایران بود. حیدرخان با آن قدرت و شهرت ثروتی پس‌انداز نکرده و آنچه که به دست می‌آورد خرج می‌کرد و پس از شهادت او معلوم شد که دارائی نداشته و فقط مقداری لیره و چند عدد جواهر که گویا توی دستمال گذاشته و گره زده بوده نزد آقای سیدحسن تقی‌زاده امانت گذاشته بود و به روایت آقای کاظم‌زاده ایرانشهر آقای تقی‌زاده عین آنها را با حضور چند نفر از جمله آقای ایرانشهر به آقای عباس‌خان افشار برادر حیدرخان که یگانه وارث او بود تحویل داده‌اند. ولی حیدرخان ارثیه مهمی از خود باقی گذاشته و آن نام نیکی است که در